سال کبیسه در سال قمری و ناقص و تام شدن ماه‌های قمری

استاد: حالا به آن می‌رسیم. اشکالی است که نزدیک به آن را مرحوم فیض هم داشتند.

آن چه که الآن می‌خواهم بگویم را عرض کنم. خب حالا آن گزینه چیست؟ این است یکی از راه‌هایی که داریم این است که یک ماه تام و یک ماه ناقص باشد. خب اگر این است، مشکل سنگینی که پدید می‌آید این است که باز این راه فایده ندارد. نمی‌توانند می‌گفت «منذ خلق الله السماوات و الارض» باشد. چرا؟ به‌خاطر این‌که اگر دقیقاً ماه بیست و نه روز و دوازده ساعت بود، با یک ماه تام و یک ماه ناقص، کارمان از «منذ خلق السماوات و الارض» در می‌رفت. می‌گفتیم از روز اول ماه بیست و نه روز و دوازده ساعت است، خیلی خب راحت هستیم، یک ماه تام و یک ماه ناقص است، لذا دقیق جلو می‌رویم. اما وقتی ماه می‌خواهد دور بزند، بیست و نه روز و دوازده ساعت و چهل و چهار دقیقه می‌شود.

شاگرد: ظاهراً با یک کسری از ثانیه هم باشد.

استاد: بله، حالا آن کسرش هم هست. و لذا کسانی که اهل فن هستند می‌گویند در محاسبه دقیق، شهور قمری از شهور شمسی اندک است. اما در سیصد و خرده ای سال. این هم نکته قشنگی است. یعنی اگر شما بخواهید تقویمی بنویسید که اندک از تقویم شمسی باشد، اگر سراغ قمر بروید اندک می‌شود. فعلاً می‌گوییم ماه بیست و نه روز و دوازده ساعت و چهل و چهار دقیقه دور می‌زند. این چهل و چهار دقیقه کار را خراب می‌کند. یعنی پنج-شش سال شد... ؛ در سال شمسی هر چهار سال سال کبیسه داریم، چون ربع است. اما در اینجا چون چهل و چهار دقیقه است، نسبت به هر سالی دوازده تا چهل و چهار دقیقه اضافه داریم.

اینجا است که باید روایتی را در جواهر نگاه کنید. از سیاری[1] است، می‌گوید به محضر امام علیه‌السلام نامه نوشتند که به این صورت درست است که از روزی که شروع به روزه گرفتن کردیم، برای سال بعد حساب کنیم...؛ مثلاً امسال اول ماه مبارک شنبه بود، وقتی سال دیگر ماه‌ها تمام شد، پنج روز بشماریم و بگوییم چهارشنبه می‌شود. اول ماه مبارک سال آینده؟ از حضرت سؤال می‌کند که این درست است یا نه؟ اگر بیست و نه روز و دوازده ساعت بود، درست بود؛ همیشه تام بود. اما چون چهل و چهار دقیقه را دارد تام نمی‌شود. لذا حضرت فرمودند بله، ولی اگر پنج سال گذشت بعد از پنج سال شش روز بشمار. یعنی اگر سال ششم است، به جای چهارشنبه بگو پنج شنبه اول ماه است؛ یعنی شش روز بشمار. این روایت سیاری است. این روایت را نگاه کنید. مرحوم آقای شعرانی که با این روایت خیلی مخالف است. تعلیقه تندی در وافی دارند.

شاگرد: فرمودی توقف سال بر گردش روز و ماه را داشتند. در اول روایت فرمودهاند که سال را سیصد و شصت روز جعل کردهاند، در عبارات بعدی کلمه خلق را استفاده میکنند. این شبیه همان بحث طبیعت و ظهورات طبیعت نیست؟ یعنی روزی که آن جا میگویند یک طبیعتی دارد که وقتی به خلق میآید ظهوراتش به این صورت در میآید. یعنی نمیتواند سیصد و شصت باشد و باید بیست و نه روز و نیم باشد.

استاد: این یک جور جوابی از آن اشکال است. این یکی از وجوه جواب برای آن اشکال است. یعنی چه طور میشود با اینکه سیصد و شصت روز تقدم دارد، تقدم و تاخرش به چه نحو باشد، ممکن است جواب داده شود.

شاگرد: پس تفرع قطعی نمیشود.

استاد: اگر بیان شما را درست فهمیده باشم دیگر تفرع دوری نیست. چون سنه ای که خلق میشود اقتضائی و طبیعی است، آن چه که اخترازل میشود، به افراد و خارجیتش است. لذا توقف فرد بر طبیعت است. دیگر طبیعت متوقف بر فرد نیست. لذا دور نمیشود.

شاگرد۲: در اینجا ما ساعت و دقیقه را مالک قرار میدهیم در حالی خود اینها یک مقیاس تامی نیست. شبانهروز بیست و چهار ساعت و صفر دقیقه و صفر ثانیه نیست، از بیست و چهار ساعت چند دقیقهای کمتر است. یعنی الآن یک چیزی را مالک قرار میدهیم که حتی برای خود شبانهروز هم مقیاس تامی نیست. لذا آیا ممکن هست ساعاتی که شبانهروز را دقیقاً به بیست و چهار ساعت تقسیم میکند غیر از این ساعاتی باشد که شصت ثانیه محاسبه میکنیم؟

استاد: مسأله بیست و چهار ساعت و اینکه دقیقاً حرکت وضعی زمین به دور خودش چقدر است...؛ اگر شما نقطهای را ثابت تنظیم کنید، وقتی زمین دور میزند سیصد و شصت درجه دور میزند. اما نکته این است که در همین سیصد و شصت درجه، زمین حرکت انتقالی داشته. حرکت انتقالی را با آن ثابت میتوانید تنظیم کنید اما با شمس نمیتوانید تنظیم کنید. و لذا وقتی میگویید شمس یک دور به نصف النهار برسد و دوباره برگردد، با اینکه خود زمین نسبت به یک کوکبی یک دور بزند فرق میکند. اینکه میگویند ایزده و پنجاه و هشت دقیقه و خرده ای برای این است. ان شاءالله فرمایش شما را فردا بررسی کنیم. اینکه ببینیم منظم شدن این حرکتها با هم به چه صورت است. یعنی حتی در حرکت وضعی زمین ما با دو چیز مواجه هستیم، حرکت وضعی در سیصد و شصت درجه، به اضافه حرکت انتقالی ای حرکت مرئی شمس. بیست و چهار ساعت کدام یکی از اینها است و ما چه کار کردیم؟ شمس را در نظر گرفتهایم. شمس برسد. وقتی شمس بخواهد برسد زمین زودتر رسیده است. چون در حرکت انتقالی هنوز باید برود.

شاگرد: روایت «اضرب ایام سنتک فی ایام اسبوعک» در بحارالانوار هست.

استاد: الآن که فرمودی یادم آمد. در باب علومه علیهالسلام هست. یادم رفته بود. مرحوم مجلسی از کجا نقل کرده بودند؟

شاگرد۲: از کتاب تسلیة المجالس نقل کرده بودند.

والحمد لله رب العالمین

[1]

بازبینی #1
ایجاد شده 12 آوریل 2026 11:09:57 توسط ... .
به روزرسانی شده 12 آوریل 2026 11:11:19 توسط ... .